



● ضرورت حفظ هوشیاری

برای دستیابی به

صلح پایدار



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

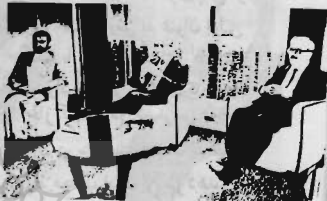
هر چه بود گذشت و هشت سال دفاع مقدس که معیار سنجش افراد است با فراز و نشیبهای مخصوص به خود خاتمه و جنگ ظاهری انقلاب اسلامی پایان یافت. جنگی که به فرموده امام صادرکننده انقلاب و بیان کننده مظلومیت آن بود و شکست ابهت شرق و غرب را به دنبال داشت.^۱

به هرحال زمان گذشت و روسیاهی به ذغال ماند و «خوشا به حال آنان که رفتند.»^۲ و «خوشا به حال آنان که تا لحظه آخر هم تردید نکردند.»^۳ و طبیعی بود که روند صلح — که لازمه اختتام هر جنگی است — روند عادی یافته و طبق مواضع اعلام شده از سوی طرفین و بر اساس قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت بند بند آن به اجرا درآید. از سال ۱۳۶۷ که وزرای خارجه ایران و عراق برای اولین بار پس از جنگ با حضور دبیرکل سازمان ملل رو در روی هم نشستند تا سال ۱۳۶۹ که عراق شرایط به حق ایران را پذیرفت، حدود یکسال و نیم به طول انجامید، و در این مدت هیچ گونه پیشرفتی در روند صلح حاصل نگشت. لازم به ذکر است در این مدت عراق همواره کوشید تا خود را از دیوارهای تنگ قطعنامه رها کرده و جز نامساعدی را بر مذاکرات حکمفرما کند. این مطلب برای همسایه شمالی ما نیز مطلوب به نظر می رسید، چرا که سیاست جدید حاکم بر شرق ترجیح می داد تا با وضعیت نه صلح و نه جنگ خلیج فارس، اهرم فشاری علیه غرب در دست داشته باشد، و در این میان برای عراق که قسمتی از خاک ایران را در تصرف داشت شیرین تر بود، تا از زنجیرهای قطعنامه خلاصی یابد و به عنوان حفظ تمامیت ارضی عرب، و ناسیونالیسم عربی کماکان از شیوخ بزدل عرب باج خواهی کرده و

✱ افکار عمومی علیه آمریکا در ایران کمک کرد تا عراق پس از بحران خلیج فارس به عنوان اولین حرکت با ارسال نامه ای خطاب به رهبران سیاسی ایران، کار خود را آغاز کند و در کمترین مدت معمول در سیاست جهان به قبول شرایط معقول ایران تن در دهد.

فهرمان ملی لقب گیرد. و در این زمان بود که هوشیاری جمهوری اسلامی پیش از هر وقت دیگر بهت شنشی ساختن سیاستهای شرق و غرب، لازم به نظر می رسید. و این در حالی بود که پس از هر «بازنگری» عراق حالت نهاجم بیشتری به خود می گرفت و به عنوان قلب برتر جنگ خودنمایی می کرد. به هر صورت در این کش مکش «عراق» حامی استقلال عرب و صدام سمبل پیروزی بزرگ اعراب شده بود. که ناگهان تجاوز عراق بار دیگر بروز کرد و کویت این حامی همیشگی عراق در جنگ با ایران مورد تهاجم قرار گرفت. این که هدف چه بود و اساس تفکر فهرمان ملی عرب در حمله به کویت را چه موضوعاتی تشکیل می داد، بحث مفصل و

پیچیده دیگری را می طلبد. چرا که بیش از پنج ماه از شروع این تجاوز می گذرد و آینده منطقه خلیج فارس همچنان در هاله ای از ابهام و تردید باقی مانده است و به رغم صدور قطعنامه های رنگارنگ از سوی شورای امنیت و تلاشهای فشرده دیپلماتیک اطراف قضیه و تهدیدات نظامی از دو سو، کویت همچنان در تصرف کامل ارتش عراق است و صدها هزار نفر از نیروهای آمریکایی و غیرآمریکایی با آخرین تجهیزات مدرن نظامی خود در خاک عربستان و سایر کشورهای نفت خیز منطقه به جولان مشغولند. در این رابطه موضع ایران به عنوان برترین و قدرتمندترین کشور منطقه حائز اهمیت است، لکن در این میان آنچه نصب جمهوری اسلامی ایران شد، عقب نشینی عراق از مواضع قبلی خود بود که حوادث منطقه قتل ازهر عاملی عراق را ناچار به عقب نشینی کرد. عراق که خود را در فشار شدید غرب و شرق می دید و از طرفی احتمال حمله سه جانبه ایران، ترکیه و سوریه را در پیش رو داشت برای شکستن این حلقه محاصره، سیاست نزدیکی به جمهوری اسلامی ایران را برگزید. لذا ایران را که همواره اعلام بی طرفی می کرد بر خلاف سوریه با سوابق شدید حزبی و دستورالعملهای فراوان آمریکا به این کشور و ترکیه با عضویت در زمره متحدین آمریکا، از موقعیت بهتری برخوردار بود، و از طرفی سیل افکار عمومی علیه آمریکا در کشورهای این مساله کمک کرد تا عراق به عنوان اولین حرکت با نامه ای خطاب به ویران سیاسی کشور کماشده با آتش کند. در کمترین وقت ممکن سیاست جهانی به قبول شرایط معقول ایران تن در دهد. و این در حالی بود که بیش از این حتی حاضر به شنیدن صحبت های منطقی جمهوری اسلامی ایران نیز نبود. حوادث خلیج فارس شدیدتر شد و صلح که خود را از طرفی در فشار شدید اقتصادی و از طرفی نیز در فشار سیاسی و نظامی ای که هر لحظه هم به درگیری نزدیکتر می شد می دید، به ترفند دیگری دست زد و مسأله عتبات را مطرح نمود. عراق با آگاهی از علاقه مردم ایران به



*** عراق که خود را در فشار شدید شرق و غرب می دید و از طرفی احتمال حمله سه جانبه، ایران، ترکیه و سوریه را در پیش رو داشت برای شکستن این حلقه محاصره، سیاست نزدیکی با ایران را برگزید.**

سیدالشهداء و ائمه معصومین دست به عملیات تبلیغی جدیدی زد، یعنی بردن ایرانیان به عراق و باز کردن خط مرزها برای زیارت اتباع طرفین، هر چند برای ما مسأله خلیج فارس و زیارت و صلح با عراق مسائل جدی از هم اند و ایران با گشایش دو پرونده مجزا برای بحران خلیج فارس از یک سو، و برقراری صلحی پایدار میان دو کشور ایران و عراق از سوی دیگر در مسیر حفاظت از امنیت ملی خود گام برمی دارد و به نحو مطلوبی از حیثیت انقلابی، همیت اسلامی و غرور ملی خود پاسداری می کند. بدون تردید هر دقت و نگرش عمیق به اوراق این دو پرونده می تواند راهنمای عملی ما در برداشتن دقیق گام های بعدی باشد. و از این رو بود که جمهوری اسلامی ایران همواره از اقدام ناشایست کشورهای منطقه مبنی بر دعوت از قوای نظامی قدرت های خارجی برای حضور در جوار اماکن مقدسه مسلمین و سرزمین های اسلامی به زشستی یاد کرده و خواهان خروج سریع آنان بوده است. این موضع برخاسته از مواضع اصولی نظامی است که همواره با تجاوز در هر شکل و قالب آن مخالف است. زیرا بیش از همه مژه تلخ و آثار ناهنجار ناشی از تجاوز عراق را با تمام وجود لمس نموده است. تجاوز عراق به خاک میهن اسلامی ایران و هدم و حرث و نسل این آب و خاک چهری نیست که بتواند به این سادگی از خاطره ها زایل گردد. آثار ویرانی های جنگ تحمیلی در جای جای این کشور اسلامی هویدا است و خانواده های معطم شهداء و وجود گرانقدر جانبازان و آزادگان، شاهدان عادلکی برستی هستند که از ناحیه تجاوز عراق به ایران بر ملت و انقلاب ما رفته است. و در کنار این مسائل نکته دیگری که باید موردتوجه قرار گیرد، نقش ماست که خود را از پیروان اسلام راستین می شماریم و از فرزندان امام می دانیم، امامی که هرگز در مقابل حوادث «عافیت» را بر «صحت» ترجیح نداد. در این بین حرکت های اسلامی هرگز نباید نادیده انگاشته شوند اسلام خواهان در لبنان، پاکستان و هر کجا که کسی دلش به یاد «خمینی»

❖ حوادث منطقه عراق را قبل از هر عاملی ناچار به عقب نشینی در برابر ایران کرد.

❖ اسلام خواهان در لبنان، پاکستان و هر کجا که کسی دلش به یاد «خمینی» می طپد چشم به برنامه های آتی ما دارند و در حقیقت عملکرد ما را به عنوان صحیحترین حرکت موجود می پندارند.

است و حتی در شدیدترین برخورد عراق و آمریکا که در
مقادیر آخرین قطعه نامه شورای امنیت مبنی بر استفاده از
قدرت نظامی علیه عراق ظاهر شد، ملاحظه می شود در
حالی که هنوز مرکب قطعه نامه مذکور خشک نشده نه تنها
وزیر امور خارجه عراق به واشنگتن دعوت می شود که
صدام به ملاقات با بوش اظهار تمایل مینماید.

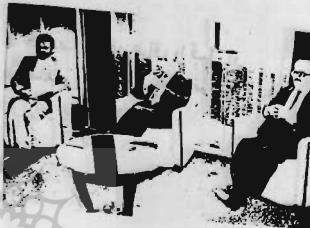
به هر صورت نکته اساسی که لازم است مورد توجه
قرار گیرد اینست که تدابیری اتخاذ شود که مرزهای
بین المللی میان دو کشور بر اساس قرارداد ۱۹۷۵
مرزهایی که برای حفاظت و حرست از آن، خون
پاک ترین جوانان و مردان این مرز و بوم به پای آن ریخته
است، مرزهایی که به مرزهای شرافت و انسانیت و
اسلامیت بدل شده است، مرزهای حماسه، خون و ایثار
و شجاعت، معین شود و علامت گذاری مجدد آن آغاز
گردد و همچنین تلاش برای بازگشت باقیمانده آزادگان
و یا کسب اطلاع از سرنوشت تک تک این عزیزان
است.

به نظر میرسد این امر بیش از هر چیز دیگری می تواند
قلوب همه ایثارگران و دلباختگان این مرز و بوم را تشفی
بخشد و در سایه این توجه است که زیارت و دیدار مرقد و
مولای عاشقان و امام شهیدان لذت بخش، مسرت انگیز و
دلپذیر خواهد شد و موجب شادی ارواح طیبه شهیدان
بزرگ انقلاب را فراهم خواهد ساخت و راه را برای
برقراری صلحی پایدار میان دو کشور همسایه هموار
خواهد کرد و حیثیت انقلابی و همیت اسلامی و غرور
ملی مردم مسلمان و انقلابی کشورمان پاس داشته خواهد
شد.

به هر حال بسیاری از این ابهامات را عسکردهای
جمهوری اسلامی ایران و حوادث خلیج فارس تسبیب
خواهد کرد.

زیرنویس ها:

- ۱- منشور روحانیت
- ۲- پیام استقامت امام: ص ۱۷
- ۳- منشور روحانیت



می طید چشم به برنامه های آتی ما دارند و در حقیقت
عسکرکرد ما را به عنوان صحیح ترین حرکت موجود
می پندارند. حال در مقابل این همه ایشان نباید اساس
عقیده «سرگ بر صدام ضد اسلام» را به فراموشی
بسپاریم. چرا که صدام در دیده های پاک و راستین آنان
نه تنها دشمن ایران که به عنوان دشمن اسلام مطرح
می باشد و هرگز نباید برای مصالح زود گذر، اهداف بلند
را قربانی کرد. به عبارت دیگر هرگز صدام را نباید به
عنوان «مورد مرحمت ایران قرار گرفته» مطرح ساخت.
هیچ گاه خط سیاسی رژیم حاکم بر عراق را نباید خط
صداقت و اصول گرایی پنداشت. حاکمان عراق افرادی
دمدمی مزاج بوده و بر طبق منافع خود سیاست
خارجی ایشان را پایه ریزی می کنند. شاهد مثال،
عسکردهای پی در پی عراق در طول حکومت صدام بوده